

فهرست

آموزش بزرگسالان در جهان (سوادآموزی تابعی - سوادآموزی روش پائولو فریره)

تاریخچه مختصر آموزش بزرگسالان در ایران

هدفهای آموزش بزرگسالان

ویژگیهای آموزش بزرگسالان

علل شکست برنامه های آموزش بزرگسالان در کشورهای جهان سوم

استاد محترم: جناب آقای نیرآبادی

تهیه کننده: فرشته بخشی نیت

آموزش بزرگسالان در جهان

الف) سوادآموزی تابعی (سوادآموزی تابعی با تکیه بر ابعاد عملی خواندن و نوشتن)

پس از جنگ جهانی دوم و مردم به تدریج متوجه این حقیقت شدند که سوادآموزی سنتی با ابعاد و مفاهیم خاص خود نمی تواند نقش مؤثری در دگرگون کردن شرایط و موقعیت سیاسی و اجتماعی یا اقتصادی آنها ایفا کنند از این رو موضوع سوادآموزی تابعی، فلسفه و اهدافی وسیعتر مطرح شد و استفاده عملی از مهارتهای سواد و زندگی روزانه مورد توجه قرار گرفت.

سوادآموزشی تابعی دارای دو بعد اساسی یکی بعد نظری که مسایل و مشکلات بزرگسال مطرح و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرد. دیگری بعد عملی که تصمیماتی درباره مائل مورد نظر اتخاذ می گردد و به مرحله اجرا در می آید. تعلیم خواندن و نوشتن و حساب کردن در ضمن این دو بعد انجام می شود.

مهارتهای سواد همراه با آموزش های سیاسی، اجتماعی و یا حرفه ای مطرح می شود.

مؤسسات و نهادهای مختلف برای با سواد کردن افراد جامعه بسیج می شوند مثلاً برای مجهز کردن کشاورزان بر فنون جدید کشاورزی آموزشهای لازم در این زمینه مسؤولان وزارت آموزش و پرورش و کشاورزی و جهاد سازندگی و کلیه نهادها در توسعه و پیشرفت روستاها سهمی دارند و بسیج می شوند.

در این شیوه خواندن و نوشتن و حساب کردن وسیله ارتباط مردن با یکدیگر شناخته می شوند که باید به کمک آن به هدف های وسیعتری از قبیل کسب دانش، مهارتهای مفید، بالا بردن سطح زندگی افراد، ایجاد تقویت رشد اجتماعی و فرهنگی، سیاسی و اقتصادی نایل شد.

محیطی زندگی می کند برنامه های سواد آموزی تابعی به میزان زیادی تغییر شکل می یابد».

فلسفه سواد آموزی تابعی (عملی)

در این روش فرا گرفتن خواندن و نوشتن، هدف کلی آموزش بزرگسالان نیست بلکه جزئی از آن هدف کلی است و هدف عمده در این روش تجهیز و تربیت نیروی انسانی ماهر، آگاه کردن بزرگسالان به حقوق و وظایفشان و آماده کردن برای خدمت به جامعه و گسترش تولید است. سواد آموزی تابعی از سه مبحث اساسی تشکیل شده است:

۱- آموزش مهارت های سواد

۲- آموزش حرفه ای

۳- آموزش در زمینه های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی. در عمل محتوای این مباحث با هم ترکیب می شود و در مجموع برنامه آموزشی واحدی را به وجود می آورد.

اصول سواد آموزی تابعی:

۱- اصول سواد آموزی تابعی - برنامه های آموزش بزرگسالان تابع هدفهای دیگری از قبیل رشد اجتماعی، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و حرفه ای می باشد تا بدین وسیله امکان بهره وری و استفاده از مهارتهای سواد در زندگی روزمره فراهم شود.

۲- اصل ادغام تعلیم و خواندن و نوشتن و ریاضیات با سایر ابعاد آموزش ترکیب شده و به صورت یک برنامه سازمان یافته ارائه می شود. همزمان با آموزش، اطلاعات ضروری در زمینه های کشاورزی صنعت بهداشت و امور اقتصادی و اجتماعی، خواندن مطلب و نوشتن آن و حساب کردن تعلیم داده می شود.

می شود و به مرحله اجرا در می آید. بزرگسالان بی سواد در کلیه مراحل برنامه ریزی و تجهیز منابع ملی و محلی شرکت فعال دارند.

۴- اصل انتخاب- چون سواد آموزی تابعی با برنامه های عمرانی و سیاست کلی رشد و پیشرفت جامعه هماهنگ می شود. اصل انتخاب در سطوح و ابعاد مختلف به مرحله اجرا در می آید و این انتخاب در سطوح ملی و محلی افراد به دقت انجام می شود. تا امکان سواد آموزی در اختیار کسانی قرار بگیرد که بتوانند از مهارت های خود حداکثر استفاده را بکنند و پس از با سواد شدن را در جهت رشد و پیشرفت یاری دهند.

۵- اصل همکاری- سواد آموزی تابعی نمی تواند نتیجه فعالیت فعالیت مؤسسه ای خاص باشد بلکه به همکاری نزدیک و مستقیم سازمانها و مسئولان بخش های دیگر نیازمند است.

۶- اصل تنوع- با توجه به اینکه مسایل و مشکلات جوامع متنوع است و شرایط اجتماعی و فرهنگی متفاوت سواد آموزی تابعی در دو محل از نظر برنامه، هدف و محتوی مختلف و متفاوت است.

۷- اصل تداوم- در سواد آموزی تابعی، آموزش و پرورش امری پویا تلقی می شود و آموزش و پرورش با مفهوم مداوم آن مطرح می شود.

۸- اصل فشردگی- مطالب و محتوای برنامه در مدت زمانی بسیار کوتاه ارائه می شود و بزرگسالان با صرف حداقل زمان به میزان زیادی بر دانش و معلومات خود بافزایند.

ب) سواد آموزشی با تأکید بر ابعاد اجتماعی و آگاه سازی (روش پائولو فریره)

ایجاد تغییرات بنیادی در طرز تفکر مردم و نحوه برخوردشان با مسایل به شمار می آید. هدف عمده این شیوه ایجاد آگاهی سیاسی و اجتماعی در توده بیسواد است.

در این شیوه پائولو فریره، کارشناس و مربی آموزش و پرورش برزیلی بیش از همه جلب توجه می کند. طرح انقلابی او بیشتر بر اساس ویژگی های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشورهای آمریکای لاتین تنظیم شده است و اساس شیوه او بحث درباره پدیده استثمار است او سعی می کند که جریانهای استثمار را که از سوی اقلیتی زیاده طلب و مستکبر بر توده عظیم مردم ستمدیده تحمیل می شود برملا کند و راه های نابودی آن را برای مردم مطرح می کند و چون خود را از میان مستضعفان برخاسته نظریات او کمتر تخیلی و تصنعی است.

روش فریره بر این اساس استوار است که تعلیم خواندن و نوشتن به بزرگسالان با تجزیه و تحلیل واقعیتها صورت می گیرد. زیرا توانایی خواندن و نوشتن مرحله ای اساسی برای تصمیم گیری و تقسیم قدرت در جامعه است و آموزش خواندن یک عمل سیاسی است فرد را برای شرکت در امور سیاسی جامعه آماده می کند. فریره معتقد است که روش او برای همه ستمدیدگان عالم که پیوسته آلت دست قدرتمندان بوده اند مناسب است. پائولو فریره با توجه به ابعاد سیاسی اجتماعی و فرهنگی خواندن و نوشتن ارائه نمود و محتوی و موادی تهیه کرد که بزرگسالان می توانستند به کمک آن ظرف ۳۰ تا ۴۵ روز خواندن و نوشتن را فراگیرند. در سال ۱۹۶۳ طرح او از سوی وزارت آموزش و پرورش برزیل برای مبارزه با بیسوادی پذیرفته شد اما با سواد و آگاه کردن مردم و شرکت آنها در انتخابات به ضرر طبقه حاکم بود و در نتیجه پائولو فریره زندانی و تبعید شد.

پرورش در هر یک از آنها به گونه ای خاص می باشد.

برنامه طرح سواد آموزی فریره از سه مرحله تشکیل می شود:

مرحله اول - مطالعه و بررسی جامعه مورد نظر

در این مرحله چند فعالیت انجام می شود. اول گروه تحقیق تشکیل می شود و به منطقه اعزام

می شود و درباره فرهنگ و میزان محرومیت و سطح آگاهی آنها کسب اطلاع می شود و کلمات کلیدی

در سواد آموزی به کار می رود واژه هایی که مردم بیشتر با آنها صحبت می کند کشف می نماید و

فهرستی از واژه های شفاهی توده بی سواد را تهیه می کند و بعد کلمات کلیدی که کلمات خلاق نامیده

می شود در میان فهرست واژه ها انتخاب می شود.

مرحله دوم : تهیه و تولید مواد آموزشی

مرحله سوم: اجرای برنامه

در ایران از سال ۱۳۱۵ برای اولین بار کلاسهای تعلیمات اکابر برای با سواد نمودن بزرگسالان تشکیل شد، بعد در سال ۱۳۲۲ با عنوان جدید «آموزش سالمندان» فعالیت خود را مجدداً بعد از جنگ جهانی دوم آغاز کرد و در سال ۱۳۳۵ «آموزش بزرگسالان» جای آن را گرفت و کتابهای جدیدی با نام «همه با سواد شویم» تألیف گردید و سپس «پیکار با بی سوادی» همان راه را پیمود و بالاخره در سال ۱۳۵۵ «جهاد ملی سوادآموزی» برای ریشه کن کردن بی سوادی به وجود آمد ولی همچنان بیش از نیمی از جمعیت بی سواد ایران بی سواد باقی بود، تا اینکه انقلاب اسلامی پیروز شد و با فرمان تاریخی امام نهضت سوادآموزی در دی ماه ۱۳۵۸ تشکیل گردید و مسئولیت با سواد کردن بزرگسالان بر عهده این نهاد نوپای انقلابی گذاشته شد.

هدفهای آموزش بزرگسالان

هدفهای آموزش بزرگسالان بستگی به نوع کشور و درجه پیشرفت و شرایط اجتماعی و اقتصادی متفاوت است. ولی به طور کلی کشورهای جهان سوم از جمله ایران، بیشتر بودجه و امکانات آموزش بزرگسالان صرف سوادآموزی می شود و در کشورهای صنعتی که اکثریت افراد جامعه با سوادند، بودجه آن برای آموزش حرفه ای به مصرف می رسد.

الف- هدفهای سوادآموزی : ۱- فراهم کردن آموزش ابتدایی و دادن امکانات دیگری به بزرگسالان برای کسب مهارتهای که در طول دوران کودکی و جوانی از آن محروم بوده اند.

۲- افزایش توانایی و مهارت بزرگسالان برای شرکت در برنامه های اجرایی دولت و جامعه

۳- افزایش اعتماد به نفس در بزرگسالان

ب- هدف های آموزش حرفه ای

۱- مجهز کردن بزرگسالان به مهارت های لازم برای امرار معاش

۲- فراهم کردن نیروی انسانی لازم برای رشد و پیشرفت کشور.

ویژگی های آموزش بزرگسالان

شرایط اقتصادی، اجتماعی، خانوادگی، روحی و همچنین وظایف مسئولیت های شغلی آنها ایجاب می کند که آموزش بزرگسالان دارای مشخصات خاصی باشد. که عدم توجه به این خصوصیات باعث می شود که بزرگسالان امکان کمتری برای شرکت در کلاسها و استفاده از این فرصتهایی داشته باشند که برایتان فراهم شده است.

الف- انعطاف در زمان تشکیل کلاس باید مطابق تمایل سواد آموزان تعیین خود و بزرگسالان این آزادی را داشته باشند که در صورت داشتن مشکل کلاس را ترک و در زمان مناسب تر در آن شرکت کنند.

ب- انعطاف در مکان: یعنی بزرگسال در هر جای کشور باشد باید بتواند از امکانات و برنامه های آموزشی و مطالعه برای پیشبرد دانش و معلومات خود استفاده کند.

ج- انعطاف در سن: فرصتهای آموزشی مخصوص سن خاصی نیست و استفاده از آن باید برای، بدون در نظر گرفتن سن آنان، میسر باشد.

د- انعطاف در پذیرش: هیچ بزرگسالی نباید به این دلیل از آموزش محروم شود که شرایط لازم برای پذیرفته شدن در کلاس را ندارد.

دارد در کلاسهای آموزشی شرکت کنند. به عبارت دیگر، حضور در کلاس باید بخشی از کارشان محسوب شود.

علل شکست برنامه های آموزشی بزرگسالان در کشورهای جهان سوم

۱- مهمترین علت عدم تخصص برنامه ریزان می باشد که بدون توجه به نیاز افراد و نیاز جامعه، عده ای را زیرپوشش آموزش بزرگسالان می برند و این آموزش با طرح کلی نظام آموزش و پرورش هماهنگی و وحدت لازم را ندارد. در صورتی که برنامه هایی که در سطوح مختلف برای آموزش افراد گروه های سنی و قشرهای متفاوت جامعه تنظیم می شود باید با یکدیگر در ارتباط باشد.

۲- آموزش و پرورش عموماً مرکزی است و همه تصمیمات در پایتخت گرفته می شود و به دورترین نقاط کشور ابلاغ می گردد و امکان اینکه همه مردم در زمینه آموزش خویش از جهات مختلف شرکت و همکاری داشته باشند فراهم نیست.

۳- کمبود منابع مادی و نیروی انسانی ماهر مشکل دیگر این کشورهاست برای تدریس اغلب از معلمان دبستان که با کودکان سر و کار دارند استفاده می شود. این گونه افراد فاقد آگاهی لازم در زمینه روانشناسی و روشهای تدریس بزرگسالان هستند.

۳- مردم شهر و روستا شرایط اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی متفاوتی دارند و در نتیجه نیاز یکسانی ندارند ولی در این کشورها برنامه یکسانی برای آموزش بزرگسالان به مرحله اجرا گذاشته می شود.

گردد. و کاربرد آموخته ها و سایر جنبه ها مانند آگاه کردن مردم به حقوق و وظایفشان به دست فراموشی سپرده می شود.

۶- سواد آموزی باید به وسیله ای برای بالا بردن رشد فکری و آگاهی های ضروری برای بهبود زندگی فردی و اجتماعی باشد ولی در کشورهای جهان سوم، سواد آموزی هدف در نظر گرفته می شود.